

بررسی زبان‌شناختی گویش طایفه مرزنشین بهلولی در خراسان جنوبی

سیدمجتبی حسینی، محمدامین ناصح*

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲. استادیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی دانشگاه بیرجند

چکیده

طایفه بهلولی یکی از طوایف عشایری در برخی مرزهای ایران است که در مناطقی از کشور پراکنده‌اند. در این پژوهش گویش بهلولی‌های ساکن مرز شرقی استان خراسان جنوبی یا به تعبیر خودشان «بهلولی‌ها» از حیث برخی ویژگی‌های آوایی- واجی، واژه‌های انحصاری و صرف گونه‌های فعل در زمان‌های مختلف در قیاس با فارسی معیار و گاه بیرجندی بررسی شده است. برای گردآوری داده‌ها از روش میدانی- کتابخانه‌ای استفاده شده است. پژوهشگران با مراجعه به مناطق مرزی شرق خراسان جنوبی که محل زندگی این عشایر مرزنشین است، سعی کردند ساخت‌های زبانی موردنظر خود را عمدتاً به صورت ناآگاهانه از مصاحبه با ۵ مرد و ۵ زن بومی بالای ۵۰ سال استخراج کنند و از طریق گفت‌وگو و ضبط داده‌ها و نهایتاً تکمیل پرسشنامه‌های معمول گویشی به اطلاعات مورد نظر دست یابند. با بررسی نتایج داده‌ها مشخص شد که کشش واکه‌ای در گویش طایفه بهلولی خراسان جنوبی همچون گویش بیرجندی وجود داشته و ممیز معنا است. همچنین تنوعی از واکه‌های مرکب در این گویش قابل ردیابی است. از نظر واژگانی نیز مشخص شد که بین واژه‌های اختصاصی گویش بهلولی با متناظر آن‌ها در فارسی معیار تفاوت‌های قابل‌وجود دارد. ضمناً ساخت آینده و گذشته در گویش بهلولی از تنوعات موجود در گویش بیرجندی بهره‌ای ندارد و به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

واژه‌های کلیدی:

طایفه بهلولی
خراسان جنوبی
واژه‌های اختصاصی
فرآیندهای آوایی-
واجی
صرف فعل

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۰ آذرماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: amin_nasheh@birjand.ac.ir

۱. مقدمه

سرزمین وسیع ایران با قومیت‌های مختلف آمیزه‌ای از جلوه‌های زیبای بین‌زبانی و بینا فرهنگی است که در خلال اعصار متمدنی با محوریت زبان فارسی با یکدیگر به شکل مسالمت‌آمیزی در تعامل بوده‌اند. مطالعه این تنوعات زبانی و گویشی در واقع پنجره‌ای رو به مطالعات فرهنگ‌پژوهی و مردم‌شناسی نیز می‌گشاید. لذا حفظ و حراست از این گنجینه فرهنگی و میراث معنوی وظیفه‌ای است که در عصر حاضر با در نظر گرفتن تهدیدات جدید برای زبان‌ها و گویش‌های محلی از جمله مهاجرت‌ها و توسعه رسانه‌ها، بیش از پیش بر دوش سازمان‌ها و نهادهای متولی حمایت از آن سنگینی می‌کند تا شاید از رهگذر ثبت و مستندسازی آن‌ها به مقوله احیای زبان‌ها و گویش‌های در خطر پرتوی نو افکند. این در حالی است که مطالعات زبانی و گویشی در نواحی مرزی و سرحدات، جذابیت دوچندانی برای زبان‌شناسان و دیگر متخصصان حوزه‌های مرتبط ایجاد می‌کند. استان خراسان جنوبی در زمره استان‌های مرزی ایران است. بررسی گویش‌های مرزی این استان در تعامل با فارسی معیار به عنوان عامل وحدت و انسجام ملی می‌تواند پرتوی تازه به مطالعات گویشی کشورمان افکند.

این مقاله به بررسی جنبه‌هایی از گویش طایفه بهلولی (بهلولی) ساکن در مرز شرقی استان خراسان جنوبی می‌پردازد. این طایفه از پرجمعیت‌ترین طوایف عشایری این نواحی است و در مورد پیشینه حضور آن‌ها در خراسان جنوبی روایات چندی موجود است که یکی از مشهورترین آن‌ها به کوچ اجباری این طایفه در زمان نادرشاه افشار برای حراست از مرز شرقی ایران از استان فارس (حوالی منطقه ممسنی) اشاره دارد که عمدتاً در مناطق مرزی شهرستان‌های قائنات و زیرکوه استقرار یافته‌اند.

سر پرسی سایکس^۱ در سفرنامه خود با نام ده هزار میل در ایران در مورد جامعه عشایری بیرجند نوشته است: «در شهر بیرجند و توابع و میان ایلات و عشایر اطراف، عشیره‌ای در این محل زیست می‌کنند که بلوری هستند و به عقیده من، یک تیره از طایفه لولیان می‌باشند» (سایکس، ۱۳۳۶).

آلفونس گابریل^۲ پزشک اتریشی که سفرهای علمی و تحقیقاتی زیادی به گوشه و کنار جهان داشته در کتاب عبور از صحاری ایران در خصوص این طایفه و شیوه زندگی آن‌ها می‌نویسد: «در اطراف دهکده‌ای فقرزده (بنی‌آباد) که با کلبه‌های گلی گرفتار ستم زمان شده بود، صحرانشینان «بلوری» (بهلولی) و «جان‌بیک» چادرهای زیادی برپا کرده بودند و به چرای دام و قالی‌بافی می‌پرداختند. جان‌بیک‌ها خود را بلوچ می‌خواندند».

اف. هیل^۳ در کتاب نامه‌هایی از قهستان بهلولی‌ها را ایلات چادرنشینی می‌داند که کاملاً ایرانی هستند و از طریق دامداری امرار معاش می‌کنند. همچنین در توصیف ویژگی‌های آنان می‌نویسد که آنان قوی هیکل‌اند و به

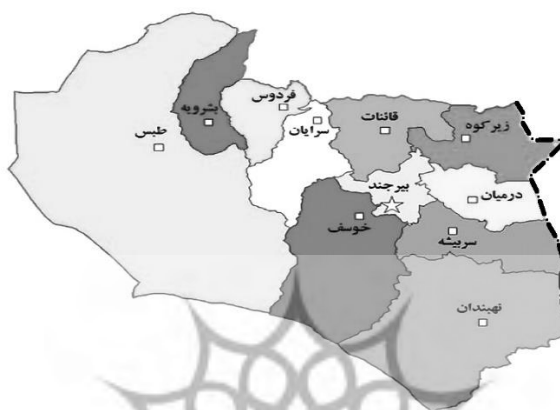
^۱ Sir Percy Sykes

^۲ Alfons Gabriel

^۳ F. Hale

آسانی در روز تا ۵۰ مایل (۸۰ کیلومتر) پیاده راه می‌روند. بهلولی‌ها هم مانند هزاره‌ای‌ها در خدمت دولت هستند و مرد جنگی در اختیار آنان می‌گذارند (هیل، ۱۳۷۸).

رئیس این طایفه در جنوب خراسان تا پیش از انقلاب حاج حقداد اسعدزاده بود که در واقع سرحددار بخشی از مرز شرقی ایران محسوب می‌شد و تفنگچی‌های قابلی را زیر نظر حکومت مرکزی از حدود زیرکوه تا نهبندان فرماندهی می‌کرد و در سایه این مدیریت مقتدرانه در منطقه‌ای که محل تلاقی بلوچ‌ها، افغانه و گاه مهاجمین مسلح بود، دست اشرار از تجاوزات مرزی اعم از آدم‌ربایی و سرقت کوتاه بود.



نقشه (۱) محل استقرار طایفه بهلولی در شرق خراسان جنوبی

۲. پیشینه پژوهش

در مورد گویش‌های خراسان جنوبی پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه انجام شده‌اند که به جهت قرابت نسبی گویش‌های این استان، شباهت‌های چندی میان آن‌ها موجود است. گویش بهلولی نیز به لحاظ واژه‌های اختصاصی و ساختار از این قاعده مستثنی نیست و با سایر گویش‌های استان خراسان جنوبی مرتبط است. از اهم پژوهش‌های انجام شده در مورد گویش بیرجند به عنوان مرکز استان خراسان جنوبی و نیز گویش طایفه بهلولی می‌توان به موارد زیر، عمدتاً به ترتیب سال انتشار، اشاره کرد.

رضایی (۱۳۵۴) مقاله‌ای را با نام *ساختمان و صرف فعل گذشته در گویش کهن هرات و مقایسه آن با ساختمان صرف فعل گذشته در گویش کنونی بیرجند* در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتشر کرد. او در سال ۱۳۷۳ شمسی، پژوهشی در حوزه واژه‌های گویش بیرجندی به‌انجام رساند. در این کتاب با عنوان *واژه‌نامه گویش بیرجند*، بیش از پانزده هزار واژه، نام، ترکیب و اصطلاح به گویش مزبور گردآوری گردیده است. نویسنده در این اثر، نام کوه‌ها، رودها و آبادی‌های بیرجند و بخش‌های پنج‌گانه آن را به‌صورت پیوستی بر واژه‌نامه افزوده است. همچنین رضایی در سال ۱۳۷۷ کتاب *بررسی گویش بیرجند (واج-شناسی و دستور)* را منتشر کرد و در آن، علاوه بر مطالعه نظام واجی و دستوری گویش مزبور، واژه‌های گویشی نیز فهرست شده‌اند.

در این‌جا باید به مهرجوفرد (۱۳۷۰) اشاره کرد که در آن به معرفی برخی ویژگی‌های آوایی، صرفی و نحوی گویش مزبور پرداخته می‌شود. خزاعی‌نژاد (۱۳۷۴) نیز به بررسی و توصیف گویش روستای مرزی گزیک از توابع شهرستان درمیان در حوالی مرز ایران و افغانستان می‌پردازد. ضابط (۱۳۷۵) گویش شهرستان بیرجند (بخش خوسف) را بررسی کرده و به معرفی برخی از ویژگی‌های آوایی، صرفی و نحوی منطقه مورد بررسی (۳۵ کیلومتری غرب بیرجند) پرداخته است.

راشد محصل (۱۳۷۹) نیز ذیل مدخل گویش بیرجند در دایره‌المعارف جهان اسلام که توسط بنیاد دایره‌المعارف اسلامی تدوین و منتشر شده است، اشاراتی به اهم ویژگی‌های گویش بیرجندی داشته است. همچنین یوسفی (۱۳۸۸) به بررسی توصیفی ساختار گویش بیرجندی پرداخته، برخی از ویژگی‌های صرفی گویش مزبور را مطالعه کرده است. مثال‌های ارائه‌شده در این پژوهش به گویش مناطق شرقی بیرجند بیش‌تر شباهت دارد تا گویش مردم شهر بیرجند.

در زمینه شناخت تاریخی و فرهنگی طایفه بهلولی زهرا علیزاده بیرجندی در سال ۱۳۸۹ کتاب *شناخت تاریخی طایفه بهلولی و تعاملات سیاسی آنها در عصر پهلوی* را منتشر کرد که در آن به معرفی پیشینه طایفه بهلولی پرداخته است. حبیبی مود (۱۳۹۳) نیز ساختمان فعل و وابسته‌های آن در گویش بیرجند را بررسی کرده و به برخی از اختصاصات گویش بیرجندی در حوزه فعل که صرف آن با فارسی معیار تفاوت‌هایی دارد، پرداخته است.

رسته‌مقدم (۱۳۹۳) به بررسی رابطه میان برخی متغیرهای دستوری، واژگانی و کلامی با جنسیت و طبقه اجتماعی در شهرستان بیرجند پرداخته است. همچنین عباسی (۱۳۹۴) نمود واژگانی افعال مرکب را در گویش بیرجندی مطالعه کرده است. حسن‌زاده (۱۳۹۷) نیز به بررسی آوایی-واژگانی گویش بهلولی در منطقه زیرکوه قاین پرداخته است و کلنگی‌خواه (۱۳۹۹) تنوع ساختمان فعل در گویش بهلولی شهرستان سربیشه با گویش بیرجندی را به صورت تطبیقی مطالعه کرده و نشان می‌دهد که گویش بیرجندی از تنوع صرفی بیش‌تری در حوزه فعل برخوردار است.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش و گردآوری داده‌ها به صورت میدانی (مصاحبه حضوری با گویشوران) و کتابخانه‌ای (استفاده از منابع موجود) است. از آن‌جا که بهره‌گیری از پرسش‌نامه و نیز انجام مصاحبه حضوری برای گردآوری داده‌های مورد نیاز جهت مطالعات تطبیقی ضروری است، پژوهندگان به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم، لاجرم در چند نوبت در مناطق مرزی مورد نظر حاضر شدند و برای بررسی گویش‌های مورد نظر از پرسش‌نامه‌های معمول در پژوهش‌های گویشی استفاده کردند.

در بررسی گویش این طایفه، ۱۰ گویشور بومی کم‌سواد روستایی بالای ۵۰ سال در ۲ گونه جنسیتی (۵ زن و ۵ مرد) انتخاب شدند که در همان‌جا سکونت داشته‌اند. خوشبختانه گویشوران منتخب به همکاری با پژوهندگان رغبت نشان می‌دادند. بدیهی است عموم گویشوران بومی در برخورد با مصاحبه‌کننده غیربومی، به لحاظ تأثیرات روانی، ناخودآگاه سعی دارند گویش خود را به فارسی معیار نزدیک کنند. برای رفع این مشکل گاه از همراهی مصاحبه‌گران بومی که بعضاً از دانشجویان دانشگاه بیرجند بودند، نیز استفاده می‌شد. به علاوه مصاحبه‌ها بیش‌تر در جمع دوستانه صورت می‌گرفت تا فضای گفت‌وگو حالت رسمی به خود نگیرد و گویشوران کم‌تر تحت تأثیر زبان معیار یا گفتار رسمی مصاحبه‌کننده واقع شوند. گاهی نیز به ثبت و ضبط مکالمات بعضاً به صورت گفتار خودانگیخته اقدام شد تا بستر دیگری برای بررسی و تحلیل داده‌های گویشی در اختیار قرار گیرد. پس از تکمیل مکالمات ضبط‌شده، فرصتی به واج‌نویسی و توصیف داده‌ها اختصاص داده شد و در نهایت داده‌های به دست آمده تحلیل و برخی ویژگی‌های گویشی آن در این مطالعه توصیف شد.

علاوه بر پرسش‌نامه و گفت‌وگوی حضوری، تلاش شد تا از مثال‌های مندرج در آثار پژوهشی درباره گویش مورد بررسی نیز به منظور اطمینان از صحت پیکره گردآوری‌شده بهره گرفته شود و بعضاً موارد مبهم کشف گردد. بنابراین مجموعه‌ای از ابزارها و منابع، شامل مصاحبه، پرسش‌نامه و منابع منتشرشده برای گردآوری و تحلیل داده‌های این پیکره زبانی استفاده شد.

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. انواع واژه در گویش بهلولی

واژه‌سازی در گویش بهلولی همچون فارسی معیار عمدتاً بر محور فرایندهای ترکیب و اشتقاق استوار است؛ هرچند که فرایندهای دیگر واژه‌سازی نیز برای این گویش با بسامد کم‌تری کاربردی است. در ادامه مواردی از واژه‌های ساده، مشتق و مرکب در گویش بهلولی خراسان جنوبی از باب نمونه معرفی می‌شوند. در انتخاب واژه‌ها سعی شد ترجیحاً از واژه‌های اختصاصی این گویش بهره گرفته شود. در ادامه مصادیق بیش‌تری از واژه‌های اختصاصی گویش بهلولی در حوزه دامداری و کشاورزی ارائه می‌شوند که با متناظر آن در فارسی معیار متفاوت هستند.

جدول ۱.

نمونه‌هایی از واژه‌های اختصاصی ساده در گویش بهلولی خراسان جنوبی

معنی واژه	واج‌نویسی
صمغ و شیرۀ کما	/kozom/
نوعی هیزم بزرگ‌تر از ترخ که در ماسه‌بادی می‌روید	/kæɫqər/

معنی واژه	واج‌نویسی
بز یا بزغال‌های که مخلوط رنگ زرد و سیاه باشد	/kəmaʃ/
کبره (پوسته خشکی که روی زخم و دمل بسته شود)	/kenerq/

جدول ۲.

نمونه‌هایی از واژه‌های اختصاصی مشتق در گویش بهلولی خراسان جنوبی

معنی واژه	واج‌نویسی
دیگ دردار کوچک	/qəleftʃə/
بسیار چرک و کثیف	/qomaʃuk/
صدای بلند نفس گاو	/koʃʃæst/
چیزی شبیه تنور در خانه که گندم‌ها را داخل آن می‌ریختند	/kænduk/

جدول ۳.

نمونه‌هایی از واژه‌های اختصاصی مرکب در گویش بهلولی خراسان جنوبی

معنی واژه	واج‌نویسی
توده‌ای سنگ که روی هم چیده و انباشته شده باشد	/səngtʃil/
بارانی که آب در شیشه‌ها (مسیل‌ها) روان کند	/ʃilərow/
وسیله‌ای برای به جوش آوردن آرام چای کنار آتش	/gədadʒul/
شیر و ماست مخلوط شده	/gormas/

۴-۱-۱. نمونه‌ای از واژه‌های اختصاصی

جدول ۴.

میوه و گیاه

معنی واژه	واج‌نویسی
زردآلوی خام	/ʔæxkuk/
نوعی گیاه	/ʔæʒvə/
نوعی گیاه بیابانی	/ʔestənbul/
نوعی بوته به اندازه بوته گز	/ʔeskəmbol/
گیاهی بزرگ‌تر از ترخ و با شاخ و برگ‌های بیش‌تر و پهن‌تر	/ʔeskul/
گیاهی کوچک‌تر و کوتاه‌تر از کما	/buridʒə/
گیاهی بیابانی که مناسب چرای گوسفندان نیست	/patuk/

معنی واژه	واج نویسی
نوعی بوته	/tʃoxtʃə/
گیاهی بیابانی که برگ‌های سفید دارد	/xodraf/
درختی که در داخل ماسه‌بادی رشد می‌کند	/dibdal/
نوعی علف هرز	/sowmali/
نوعی بوته خار که در بیابان و ماسه‌ها می‌روید	/kæhrazg/
نوعی گیاه بیابانی	/mædʒ/
نوعی بوته خار	/hum/

جدول ۵.

حیوان

معنی واژه	واج نویسی
بز یا بزغاله‌ای با گوش‌های دراز	/ʔæla/
بزی با رنگ کمی مایل به قهوه‌ای	/boze turə/
بز بی شاخ	/boze kəl/
بزی با موی سیاه و سفید	/boze kələ/
نوعی پرندۀ مثل سیاه‌سینه که سینه‌اش سیاه‌رنگ نیست	/tʃoqor/
بره یا بزغاله‌ای که وقت از شیر گرفتن سایرین قربانی می‌شود	/regaji/
جوجه تیغی	/sonqorə/
بز یا بزغاله‌ای با گوش‌های خال‌دار سفید	/kor pæris/
میش	/guzəl/

جدول ۶.

ملزومات زندگی عشایر

معنی واژه	واج نویسی
چوبی که هنگام شیار کردن به دوتا خر می‌بندند	/ʔæɫqər/
ظرفی که گشک در آن می‌سابانند.	/badijə/
شال و لحاف	/bar/
موادی که گوسفند هنگام نشخوار کردن جمع کند	/baʃlom/
نوعی آتشدان که چهارپایه داشته است	/padik/
چادر عشایری که با پنج لَتَف یا پارچه درست شود	/pændʒ lətəfə/
نوعی سبد کوچک بدون دیوار که از بوته بادامشک می‌بافند	/təgidʒ/
غذایی چون برنج که از گاؤرس (ارزن) می‌پزند	/towgi/
کارد کهنه بدون دسته	/tiqəl/
شیر و ماست و کره مخلوط که داخل آن نان ریخته و می‌خورند	/dzunæmmə/

معنی واژه	واج نویسی
نوعی قلیان	/tʃelim/
وسیله‌ای (وردنه) که نان را با آن به تنور می‌زنند	/rofidə/
اشکنه با بنه کوهی	/rek/
شاخه‌های خاردار درختانی چون عناب	/zirg/
نوعی پالتوی پشمی	/qart/
تکه‌های خشک شده خیار و دیگر میوه‌ها	/qaq kærda/
دانه‌های درشت ته خرمن	/kadzəri/
نوعی همیزم بزرگتر از ترخ که در ماسه بادی می‌روید	/kæliqər/
نوعی پارچه	/lətəf/
تخم گیاهی که در شربت می‌ریزند	/mələngu/

جدول ۷.

متفرقه

معنی واژه	واج نویسی
سفید - مایل به سفید	/ʔespilus/
فلاخن	/ʔe]kənnuk/
سفید	/ʔe]kul/
لیخند زدن	/bərutæk zədə/
صفت بچه فضول، ورپریده، خون به جگر کرده	/xuləppidə/
موجی، دیوانه	/dəbærgærd/
شخم‌زدن	/rondə/
ران	/rifə/
مچ دست	/zə bænd/
جوشی که بر صورت یا پوست بدن ظاهر می‌شود	/zurek/
مچاله و چروک کردن	/ʃoqordə/
شانه بین (کسی که از روی استخوان شانه گوسفند غیب می‌گوید)	/ʃunə bi/
خود را گم کردن و دیده‌نشدن	/kur pæt kærda/
گردن باریک	/gærdə qaq/
ویار	/gəsta/
ناخن	/nazg/

۴-۲. چند ویژگی آوایی - واجی در گویش بهلولی

ویژگی‌های آوایی - واجی گویش بهلولی دارای مختصاتی است که در قیاس با فارسی معیار از وجوه افتراقی برخوردار است. از آن جمله می‌توان به وجود نمونه‌هایی از واکه‌های کشیده و مرکب اشاره داشت که در ادامه مواردی از آن ارائه می‌شود.

۴-۲-۱. نمونه‌هایی از واکه کشیده و واکه مرکب

کشش یا طول واکه عبارت از مدت زمانی است که برای تولید واکه در شرایط عادی صرف می‌شود. کشش واکه در گویش بهلولی خراسان جنوبی همچون گویش بیرجندی، یک عامل واجی محسوب شده و موجب تقابل معنایی می‌شود، مانند: xāZə (خواهد زد) در برابر xazə (چروکیده) تنوعی از واکه مرکب در گویش‌های خراسان جنوبی از جمله بیرجندی و قاینی وجود دارد. مانند واج /ow/ در واژه /?ow/؛ (آب) و یا واج /æw/ در واژه /?eʃtæw/؛ (چطور، چگونه) و یا واج /gəw/؛ (گاو).

۴-۲-۲. نمونه‌هایی از فرآیندهای آوایی - واجی

جدول ۸.

نمونه‌هایی از فرآیند واجی اضافه^۱ در گویش بهلولی خراسان جنوبی

معنی واژه	واج نویسی
سفید	/?espilus/ /?espid/
ستاره	/?estara/
شتر	/?oʃtor/
ترش کردن	/pudəgi/
حفاری چاه، سوق زدن و چاه کندن	/tʃaxuʃi/
پژمردگی	/xazəgi/

جدول ۹.

نمونه‌هایی از فرآیند واجی حذف در گویش بهلولی خراسان جنوبی

معنی واژه	واج نویسی
آروغ	/?or/
امروز	/?omru/
آویشن	/?owʃə/
بفشار	/beʃxar/
کسی که از روی استخوان شانه گوسفند غیب می‌گوید	/ʃunə bi/

¹ addition

جدول ۱۰.

نمونه‌هایی از فرآیند واجی قلب^۱ در گویش بهلولی خراسان جنوبی

معنی واژه	واج‌نویسی
بسکاباد	/boksabad/
تلخ	/təxol/
لجیاز	/dʒəlbaz/
غربال	/qəlbir/
نسخه	/noxsə/

۳-۴. ساختمان فعل در گویش بهلولی

دستگاه فعل در بیش‌تر گویش‌های فارسی جنوب خراسان در قیاس با فارسی معیار از امکانات متنوع‌تر و گسترده‌تری برخوردار است. برخی از امکانات موجود در این دستگاه بازمانده ویژگی‌های فعل در زبان فارسی میانه و فارسی دری آغازین هستند که اکنون در فارسی معیار از بین رفته‌اند. در گویش فارسی مرزی مورد نظر در این پژوهش، افعال دارای سه زمان مضارع، ماضی و آینده می‌باشند و این زمان‌ها با یکی از سه وجه اخباری، التزامی و امری می‌آیند. گرچه در گویش پیرجندی تعدد و تنوع هر یک از این زمان‌های سه‌گانه فعل در این گویش‌ها بیش‌تر از زبان فارسی معیار است، در گویش مزبور علی‌رغم انتظار از تنوع کمتری برخوردار بوده و به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

۱-۳-۴. ساخت فعل در زمان حال

در گویش بهلولی زمان حال به سه گونه اخباری، التزامی و مستمر منعکس می‌شود که با اغلب گویش‌های خراسان جنوبی مشابه است.

۱-۱-۳-۴. حال اخباری

حال اخباری بر وقوع فعل به صورت خبری و قطعی در زمان حال (گاه آینده نزدیک) دلالت دارد. این فعل در گویش بهلولی با افزودن پیشوند /mi/ به ستاک حال همراه با شناسه‌های مربوط ساخته می‌شود. مثال (۱): /terex væ kəlatə mi-ræ/ ترخ (نام) به روستا می‌رود.

¹ metathesis

جدول ۱۱.

صرف فعل حال اخباری

معنی	واچ‌نویسی	شخص (جمع)	معنی	واچ‌نویسی	شخص (مفرد)
می‌رویم	/mi-r-e/	اول شخص	می‌روم	/mi-r-o/	اول شخص
می‌روید	/mi-r-e/	دوم شخص	می‌روی	/mi-r-i/	دوم شخص
می‌روند	/mi-r-æn/	سوم شخص	می‌رود	/mi-r-æ/	سوم شخص

۴-۳-۱-۲. حال التزامی

حال التزامی در گویش بهلولی مانند فارسی معیار از افزودن /be/ به ستاک حال همراه با شناسه‌های مربوط برای بیان وقوع آن به صورت لزوم، شک، امید و آرزو، خواهش، فرمان، شرط و ... در زمان حال (گاه آینده) استفاده می‌شود.

مثال (۲): /bælke hosej væ filæ be-r-æ/ شاید حسین به دره برود.

جدول ۱۲.

صرف فعل حال التزامی

معنی	واچ‌نویسی	شخص (جمع)	معنی	واچ‌نویسی	شخص (مفرد)
بروی	/be-r-e/	اول شخص	بروم	/bo-r-o(w)/	اول شخص
بروید	/be-r-e/	دوم شخص	بروی	/be-r-i/	دوم شخص
بروند	/be-r-æn/	سوم شخص	برود	/be-r-æ/	سوم شخص

۴-۳-۱-۳. حال مستمر (ملموس)

حال مستمر (در جریان) در گویش بهلولی مانند فارسی معیار و احتمالاً به تقلید از آن از ستاک حال فعل داشتن (dar) به همراه شناسه‌های مربوط به علاوه حال اخباری با شناسه‌های مرتبط ساخته می‌شود. مثال (۳): /kælux va ?owqun-estu dar-æ mi-r-æ/ کلوخ (نام) به افغانستان دارد می‌رود.

جدول ۱۳.

صرف فعل حال مستمر

معنی	واچ‌نویسی	شخص (جمع)	معنی	واچ‌نویسی	شخص (مفرد)
داریم می‌رویم	/dar-e mi-r-e/	اول شخص	دارم می‌روم	/dar-o mi-r-o/	اول شخص
دارید می‌روید	/dar-e mi-r-e/	دوم شخص	داری می‌روی	/dar-i mi-r-i/	دوم شخص
دارند می‌روند	/dar-æn mi-r-æn/	سوم شخص	دارد می‌رود	/dar-æ mi-r-æ/	سوم شخص

۴-۳-۲. ساخت فعل در زمان گذشته

در گویش بهلولی زمان گذشته به شش گونه: ساده، استمراری، نقلی، بعید، التزامی و مستمر منعکس می‌شود که در قیاس با گویش بیرجندی از تنوع کمتری برخوردار است.

۴-۳-۱. گذشته ساده

ساخت گذشته ساده در گویش بهلولی مشابه فارسی معیار از ستاک گذشته همراه با شناسه‌های مرتبط ساخته می‌شود. باید خاطر نشان کرد که گذشته ساده در برخی از گویش‌های خراسانی نظیر قاینی و بیرجندی از ترکیب پیشوند /be/ (با تکواژگونه‌های متعدد) + ستاک گذشته + شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود ولی در برخی دیگر از گویش‌های فارسی خراسان نظیر بهلولی، ساخت فعل گذشته ساده الزاماً نیازی به پیشوند /be/ ندارد و همانند زبان فارسی معیار از ترکیب ستاک گذشته به علاوه شناسه‌های شخص و شمار شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد ظهور /be/ در ساخت گذشته ساده، بازمانده زبان فارسی میانه باشد؛ چرا که در برخی متون باقی مانده از فارسی میانه، گاه پیشوند /be/ بر سر صیغه ماضی تام می‌آمده و برخی محققان عمل آن را «بیان اتمام و انجام یافتن فعل» می‌دانسته‌اند.

مثال (۴): /hæmæ-dʒa-r-did-o/ همه‌جا را دیدم.

جدول ۱۴.

صرف فعل گذشته ساده

معنی	واچ‌نویسی	شخص (جمع)	معنی	واچ‌نویسی	شخص (مفرد)
رفتیم	/ræft-e/	اول شخص	رفتم	/ræft-o/	اول شخص
رفتید	/ræft-e/	دوم شخص	رفتی	/ræft-i/	دوم شخص
رفتند	/ræft-an/	سوم شخص	رفت	/ræft-æk/ /ræft-æ/	سوم شخص

۴-۳-۲. گذشته استمراری

در گویش بهلولی مشابه فارسی معیار، گذشته استمراری از اضافه شدن پیشوند فعلی /mi/ بر آغاز گذشته ساده ساخته می‌شود.

مثال (۵): /ʔun-a-r-væ-ma-mi-jar-æ/ آن‌ها را برای ما می‌آورد.

جدول ۱۵.

صرف فعل گذشته/استمراری

شخص (مفرد)	واج نویسی	معنی	شخص (جمع)	واج نویسی	معنی
اول شخص	/mi-ræft-o/	میرفتم	اول شخص	/mi-ræft-e/	می رفتیم
دوم شخص	/mi-ræft-i/	می رفتی	دوم شخص	/mi-ræft-e/	می رفتید
سوم شخص	/mi-ræft-æk/ /mi-ræft-æ/	می رفت	سوم شخص	/mi-ræft-an/	می رفتند

۴-۳-۲-۳. گذشته نقلی

الگوی ساخت گذشته نقلی و گذشته ساده در گویش بهلولی ظاهراً یکسان به نظر می‌رسد، با این تفاوت تلفظی که در ساخت گذشته نقلی تکیه روی هجای پایانی صفت مفعولی /فاعلی می‌آید ولی در گذشته ساده، تکیه روی هجای نخستین می‌باشد.

مثال (۶): /hitʃ-tʃe-na-xar-id-o/ هیچ چیزی نخریده‌ام.

جدول ۱۶.

صرف فعل گذشته نقلی

شخص (مفرد)	واج نویسی	معنی	شخص (جمع)	واج نویسی	معنی
اول شخص	/ræft-o/	رفته‌ام	اول شخص	/ræft-e/	رفته‌ایم
دوم شخص	/ræft-i/	رفته‌ای	دوم شخص	/ræft-e/	رفته‌اید
سوم شخص	/ræft-æ/	رفته است	سوم شخص	/ræft-æn/	رفته‌اند

۴-۳-۲-۴. گذشته بعید

این ساخت در گویش بهلولی مانند فارسی معیار از صفت مفعولی /فاعلی به همراه گذشته ساده مصدر /bode/ (بودن) با شناسه‌های مرتبط ساخته می‌شود.

مثال (۷): /ʔu-dæm ke mæ ʔomæd-o towgi-r tæmom kærd-æ bu(d)/

آن موقع که من آمدم غذا (سابری) را تمام کرده بود.

جدول ۱۷.

صرف فعل گذشته بعید

شخص (مفرد)	واج نویسی	معنی	شخص (جمع)	واج نویسی	معنی
اول شخص	/ræft-æ bud-o/	رفته بودم	اول شخص	/ræft-æ bud-e/	رفته بودیم
دوم شخص	/ræft-æ bud-i/	رفته بودی	دوم شخص	/ræft-æ bud-e/	رفته بودید
سوم شخص	/ræft-æ bu(d)/	رفته بود	سوم شخص	/ræft-æ bud-æ(n)/	رفته بودند

۴-۳-۵. گذشته التزامی

این ساخت در گویش بهلولی مانند فارسی معیار از صفت مفعولی /فاعلی به همراه زمان حال از مصدر /budæn/ (baf) با شناسه‌های مرتبط صرف می‌شود.
مثال (۸): /fajæd væ dʒa funə bi ræft-æ baf-æ/ شاید پیش غیب‌گو رفته باشد.

جدول ۱۸.

صرف فعل گذشته التزامی

معنی	واچ‌نویسی	شخص (جمع)	معنی	واچ‌نویسی	شخص (مفرد)
رفته باشیم	/ræft-æ baf-e/	اول شخص	رفته باشم	/ræft-æ baf-o/	اول شخص
رفته باشید	/ræft-æ baf-e/	دوم شخص	رفته باشی	/ræftæ baf-i/	دوم شخص
رفته باشند	/ræft-æ baf-æn/	سوم شخص	رفته باشد	/ræft-æ baf-æ/	سوم شخص

۴-۳-۶. گذشته مستمر (ملموس)

این ساخت در گویش بهلولی مانند فارسی معیار و احتمالاً به تقلید از آن از گذشته ساده فعل /daft/ به همراه شناسه مربوط و گذشته استمراری فعل مورد نظر همراه با شناسه آن صرف می‌شود.
مثال (۹): /daft-o mi-ræft-o ke tfoqor-æ did-o/ داشتم می‌رفتم که پرنده را دیدم.

جدول ۱۹.

صرف فعل گذشته مستمر

معنی	واچ‌نویسی	شخص (جمع)	معنی	واچ‌نویسی	شخص (مفرد)
داشتیم می‌رفتیم	/daft-e mi-ræft-e/	اول شخص	داشتم می‌رفتم	/daft-o mi-ræft-o/	اول شخص
داشتید می‌رفتید	/daft-e mi-ræft-e/	دوم شخص	داشتی می‌رفتی	/daft-i mi-ræft-i/	دوم شخص
داشتند می‌رفتند	mi-ræft- /daft-æn æ/	سوم شخص	داشت می‌رفت	/daf mi-ræf/	سوم شخص

۴-۳-۳. ساخت فعل در زمان آینده

فعل آینده برای بیان وقوع کاری در آینده در گویش بهلولی از ستاک حال فعل خواستن /xa/ بدون صرف آن به همراه ستاک گذشته فعل مورد نظر همراه با شناسه‌های مربوط ساخته می‌شود.
مثال (۱۰): /ʔemru væ gæp zæn-u xa ræft-o/ فردا به خواستگاری خواهم رفت.

جدول ۲۰.

صرف فعل گذشته مستمر

معنی	واچ نویسی	شخص (جمع)	معنی	واچ نویسی	شخص (مفرد)
خواهیم رفت	/xa ræft-e/	اول شخص	خواهم رفت	/xa ræft-o/	اول شخص
خواهید رفت	/xa ræft-e/	دوم شخص	خواهی رفت	/xa ræft-i/	دوم شخص
خواهند رفت	/xa ræft-æn/	سوم شخص	خواهد رفت	/xa ræft/	سوم شخص

۵. نتیجه گیری

در مورد ویژگی‌های واژگانی گویش طایفه بهلولی چون گویشوران آن بیش تر در مناطق بیابانی و مرزی ساکن هستند و شغل اکثر آن‌ها دامپروری و قالی بافی است، واژه‌های مربوط به دامداری بیش تر در گویش آن‌ها یافت می‌شود و واژه‌های حوزه کشاورزی و ملزومات زندگی عشایری در ردیف گروه واژه‌های گویشی بعدی است که با متناظر آن‌ها در فارسی معیار متفاوت است.

فعل‌ها در گویش بهلولی مانند فارسی معیار بدون پیشوند فعلی صرف می‌شوند؛ در حالی که گذشته ساده در برخی از گویش‌های خراسانی نظیر قاینی و بیرجندی از ترکیب پیشوند /be/ (با تکواژگونه‌های متعدد) + ستاک گذشته + شناسه‌های فعلی ساخته می‌شود. تفاوت‌های آوایی آن با گویش بیرجندی از حیث وجود واکه‌ها و همخوان‌های متفاوت با فارسی معیار، اندک است ولی کشش واکه‌ای در گویش طایفه بهلولی خراسان جنوبی همچون گویش بیرجندی وجود داشته و ممیز معنا است. همچنین تنوعی از واکه‌های مرکب در این گویش قابل ردیابی است.

گونه‌های ساخت حال در گویش بهلولی سه نوع و امکانات ساخت گذشته شش نوع بود. ساخت آینده و گذشته در گویش بهلولی از تنوعات موجود در گویش بیرجندی بهره‌ای نداشت و به فارسی معیار نزدیک تر بود.

منابع

- حبیبی مود، زهرا (۱۳۹۳). بررسی ساختمان فعل و وابسته‌های آن در گویش بیرجندی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسن زاده، محمدرضا (۱۳۹۷). بررسی آوایی - واژگانی گویش بهلولی در خراسان جنوبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- خزائی، ماهرخ (۱۳۷۴). بررسی و توصیف گویش روستای گزیک از توابع شهرستان درمیان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۷۹). گویش بیرجندی. مدخل دایره‌المعارف جهان اسلام، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- رسته‌مقدم، فائزه (۱۳۹۳). بررسی رابطه میان برخی متغیرهای دستوری، واژگانی و کلامی با جنسیت و طبقه اجتماعی در شهرستان بیرجند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- رضایی، جمال (۱۳۵۴). ساختمان و صرف فعل گذشته در گویش کهن هرات و مقایسه آن با ساختمان صرف فعل گذشته در گویش کنونی بیرجند. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۲۳ (۴)، صص. ۱۱۰-۱۱۰.
- رضایی، جمال (۱۳۷۳). *واژه‌نامه گویش بیرجند*. تهران: روزبهان.
- رضایی، جمال (۱۳۷۷). *بررسی گویش بیرجند*. تهران: هیرمند.
- سایکس، سرپرسی مولزورث (۱۳۳۶) ده هزار میل در ایران (سفرنامه). ترجمه حسین سعادت‌نوری. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ضابط، فاطمه (۱۳۷۵). *بررسی گویش شهرستان بیرجند (بخش خوسف)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
- عباسی، زهرا (۱۳۹۴). *بررسی نمود واژگانی افعال مرکب در گویش بیرجندی*. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۷ (۱۳)، صص. ۶۰-۳۹.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۹). *شناخت تاریخی طایفه بهلولی و تعاملات سیاسی آن‌ها در عصر بهلولی*. بیرجند: رزقی.
- کلنگی‌خواه، زینب (۱۳۹۹). *بررسی تطبیقی تنوع ساختمان فعل در گویش بهلولی شهرستان سربیشه با گویش بیرجندی*. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- گابریل، آلفونس (۱۳۷۱). *عبور از صحاری ایران*. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مهرجوفرد، حسن (۱۳۷۰). *بررسی گویش بیرجندی*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- هیل، اف. (۱۳۷۸) *نامه‌هایی از قهستان*. ترجمه محمدحسن گنجی. مشهد: مرکز خراسان‌شناسی.
- یوسفی، مریم (۱۳۸۸). *بررسی توصیفی ساختار واژه گویش بیرجندی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

